

تحلیل نقش مایه‌های جانوری بر روی سنجاق‌های مفرغی منسوب به هزاره سوم پ.م در حوضه

هلیل‌رود (مطالعه موردی)

فهیمة موسوی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهزاد بلمکی^۱

استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

محمدرضا سعیدی هرسینی

دانشیار مرکز تحقیق و توسعه سمت، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

علمی - پژوهشی

چکیده

حوضه‌ی هلیل‌رود از جمله مناطق باستانی شناخته‌شده هزاره‌ی سوم پ.م در جنوب‌شرق ایران است که از این حوضه در پی مطالعات باستان‌شناختی سال ۱۳۸۰ تاکنون بیش از سیصد محوطه باستانی دوره‌های پیش از تاریخ تا دوران اسلامی شناسایی شده است. مهم‌ترین آثار این منطقه کشفیاتی متعلق به هزاره‌ی سوم پ.م است که قابل مقایسه با آثار باستانی تمدن‌های بین‌النهرین، ایلام، آسیای میانه و دره سند است. مسئله اصلی این پژوهش شناخت تمدن هلیل‌رود از طریق مطالعه نقش‌مایه‌های نمادین اشیایی با فرم سنجاق‌های میله‌ای است که از سراسر حوضه‌ی هلیل‌رود شناسایی شده است و در باغ موزه هرنندی کرمان نگهداری می‌شود. این اشیاء ۱۵۵ قطعه سنجاق میله‌ای است که گروهی به صورت میله‌هایی ساده و فاقد نقش و ۲۴ قطعه آن دارای سر سنجاق مزین به نقوش جانوری، گیاهی و هندسی است که هدف این پژوهش معرفی و شناخت سه قطعه از سنجاق‌های مذکور است که به دلیل نقش رویارویی جانوران انتخاب و مورد بررسی واقع شده است. توصیف نقش جانوران در این سنجاق‌ها به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و نقش‌مایه‌های این سه شیء به عنوان یافته‌های فرهنگی هنری حوضه هلیل‌رود در یک مطالعه تطبیقی با نقش‌مایه‌های محوطه‌های شاخص هزاره سوم پ.م در جنوب شرق ایران، تمدن‌های بین‌النهرین و آسیای میانه مورد ارزیابی قرار گرفته است و از دیدگاه بررسی تاریخ هنر، با گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی شامل مشاهده این آثار در موزه و عکاسی، طراحی، گونه شناسی نقش‌مایه‌ها و شناخت شیوه و سبک شکل‌ها به مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای این نقوش پرداخته شده است و در کنار روش میدانی با استفاده از اسناد و منابع مکتوب این تحلیل‌ها تکمیل شده است و در نتیجه بررسی این سنجاق‌ها مشخص شد که فرم سنجاق‌ها با فرم بدن جانورانی مانند بزهای کوهی روی پاهای جلو ایستاده و به صورت نمادین در حال تغذیه درخت، عقاب‌هایی با بال‌های برافراشته، مارهایی با دهان باز و به حالت تهاجمی و شیرهایی نشسته در مقابل یکدیگر به حالت کاملاً قرینه اجرا شده است و همین حالت قرینه بودنشان در مقابل یکدیگر، رویاروی بودن آن‌ها را القاء می‌کند، بنابراین این نقش‌ها از نظر رویاروی بودن جانوران و ویژگی‌های محتوایی و احتمالاً اسطوره‌شناختی دسته‌بندی و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، با توجه به مشاهده و مقایسه این نقوش می‌توان اذعان داشت که این اشیاء نشان‌دهنده تأثیر بینش و آگاهی سازندگان این آثار و تعامل نظام‌مند انسان با محیط‌زیست و فرهنگ رایج در گذشته است که از طریق اعتقادات، باورها و حس زیبایی‌شناسی هنرمند تولیدکننده خلق شده است و شباهت این نقوش به جانوران محوطه‌های باستانی دیگر نشان از طبیعت مشترک این مناطق و تأثیر فرهنگی هنرمندان بر یکدیگر در خلق آثار هنری بوده است.

واژه‌های کلیدی: نقش‌مایه جانوری، سنجاق‌های مفرغی، هزاره سوم پ.م، حوضه هلیل‌رود.

۱. مقدمه

هلیل‌رود در جنوب شرق ایران در استان کرمان یکی از رودهای دائمی ایران است، وجود ارتفاعاتی چون لاله‌زار، بحر آسمان و جبال بارز و ذخایر فراوان بارش طبیعی موجب شده است تا این حوضه بزرگ آبریز در این بخش از ایران شکل بگیرد (علی‌دادی سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۲). مهم‌ترین شاخه‌های این رود در شهرستان جیرفت

واقع شده است. این رود شرایط شکل‌گیری فرهنگ‌ها و تمدن‌های متکی بر دو شیوه تولید اقتصادی اسکان و کشاورزی، کوچروی و دامداری را از دوره‌های پیش از تاریخ به بعد در این منطقه به وجود آورده است. ویژگی‌های خاص اقلیمی و زیست‌محیطی از جمله کوه‌های بلند با معادن گوناگون طبیعی مانند مس و انواع سنگ‌های صابونی، کلوریت، فیروزه، عقیق، مس و احتمالاً سنگ لاجورد و دشت‌های وسیع بسیار حاصلخیز به‌ویژه از اوایل هزاره سوم پ.م باعث شده است تا این منطقه به یکی از مهم‌ترین حوضه‌های تمدنی و کانون‌های مهم اقتصادی و صنعتی شرق باستان تبدیل شود (مجیدزاده، ۱۳۸۷: ۳۲). در کشفیات جیرفت از سال‌های ۱۳۸۰ تاکنون شواهدی عظیم از وجود مجموعه شهری عمده حدود ۳۰۰ محوطه متعلق به هزاره سوم پ.م در دره هلیل‌رود به اثبات رسیده است (استنکر، ۱۳۹۲: ۱۰) و از بین آن‌ها تپه کُنارصندل (Majidzade and Pitman, 2008) (مجیدزاده الف، ۱۳۸۲) مهم‌ترین محوطه شناسایی شده است و آثار هنری کشف‌شده از این تپه اصالت و گستردگی تولیدات هنری هزاره سوم پ.م در این حوضه را به اثبات می‌رساند. در میان این آثار هنری قطعاتی از ظروف سنگ صابونی و (مجیدزاده ب، ۱۳۸۲) و اشیاء مفرغی مشابه آثار به غارت رفته از گورستان محطوط‌آباد (Desset et al:2017) کشف شده است. علاوه بر اشیاء سنگی نمونه‌های شاخصی از پیکره‌های گلی و سنگی، مهرها و اثر مهرها (پیتمن، ۱۳۸۷) و اشیاء مفرغی شامل سنجاقت‌های میله‌ای به دست آمده است، مشهورترین و شناخته‌شده‌ترین نمونه بیان هنری در این منطقه ساخت اشیاء سنگ صابونی و کلوریتی است که با طرح‌های هندسی، نقش‌های متنوع پهلوانان، موجودات افسانه‌ای فوق طبیعی و نقوش ترکیبی و جانوران موجود در طبیعت به نمایش در آمده است (پیتمن، ۱۳۹۲: ۳۵)، بسیاری از این آثار طی غارت گورها در گورستان‌های مجاور حوضه هلیل‌رود آشکار شده است، که بسیاری از آن‌ها به بازارهای عتیقه بین‌المللی راه‌یافته و شمار زیادی نیز در ایران مصادره و بازیابی شده و اکنون در موزه‌های شهرهای جیرفت، کرمان و تهران نگهداری می‌شود، نمونه‌های مشابه این اشیاء به صورت تک یافته در بین‌النهرین (مالووان، ۱۳۶۸: ۱۳)، هفت تپه خوزستان (نگهبان، ۱۳۷۲: ۱۹۰)، تپه یحیی (Lamberg-Karlovsky, 1988)، محوطه شه‌داد (حاکمی، ۱۳۸۵: ۷۰۵؛ Hakemi, 1997) و شوش (اسکالونه، ۱۳۹۴) از طریق کشفیات باستان‌شناسی به دست آمده، که نشان از ارتباط فرهنگی میان جوامع مذکور در عصر مفرغ است. این ارتباطات فرهنگی به دلیل تلاقی راه‌هایی از سیستان به خلیج فارس، شرق و غرب، میان سند و بین‌النهرین به عنوان مرکز ارتباطی بالقوه معرفی شده است که کشفیات حوضه هلیل‌رود به نوعی این برهمکنش‌های درون منطقه‌ای را تأیید می‌کند (رایت، ۱۳۹۲: ۶۵).

علاوه بر اشیاء مورد اشاره یافته‌های فرهنگی دیگری از این منطقه شناسایی شده که گروهی از این یافته‌ها اشیاء تزئینی فلزی است که مهم‌ترین آن‌ها سنجاقت‌ها و میله‌های مفرغی است و از قاچاقچیان حفاری‌های غیرمجاز توسط یگان‌های ویژه حفاظت میراث فرهنگی استان کرمان توقیف شده است. این گروه از اشیاء شامل ۱۵۵ قطعه سنجاقت میله‌ای است که در مجموعه باغ موزه هرنندی کرمان نگهداری می‌شود، بیشتر این اشیاء به صورت میله‌هایی بدون سر سنجاقت است و تنها ۲۴ قطعه از این مجموعه دارای سر سنجاقت‌هایی است که در مرکز آن‌ها نقوش متنوعی شامل: نقش‌های هندسی، گیاهی، انسانی، جانوری و نقوش ترکیبی قابل

مشاهده است. از بین گروه مذکور ۳ قطعه سنجاق به دلیل نقش شاخص رویارویی جانوران انتخاب شده است، که با توجه به قرینه بودن نقوش در مرکز شیء القاء کننده نقش رویارویی جانوران هستند. این سنجاق‌ها از لحاظ فرم دارای میله‌های باریک با سر سنجاق‌های مثلثی شکل، مربع‌هایی با زاویه انحنا در قسمت بالایی قاب و تجسمی از نقوش جانورانی چون: عقاب، مار، بز و شیرهای قرینه‌ای است که به نظر می‌رسد بومی همین منطقه بوده‌اند. طرح این اشیاء بر حسب مضمون نقش‌مایه متغیر است و بر اساس فرم بدن جانوران اجرا شده است. ساخت این اشیاء نشان‌دهنده تأثیر بینش و آگاهی سازندگان این آثار و تعامل با محیط طبیعی پیرامون خود در خلق این آثار است.

در خصوص تاریخ‌گذاری و کاربرد دقیق این اشیاء با توجه به نبود ارتباط این اشیاء با لایه‌نگاری‌های باستان‌شناختی و عدم آزمایش‌های متالوگرافی و تعیین قدمت نمی‌توان تاریخ‌گذاری دقیقی را برای آن‌ها در نظر گرفت، زیرا مشخص نیست که این اشیاء از گورستان‌ها و یا از محوطه‌های استقرار کدام دوره تاریخی به دست آمده است، بنابراین بر اساس مطالعه تطبیقی نمادشناسی نقش‌مایه آن‌ها، با اشیاء کشفیات باستان‌شناختی جیرفت (پیتمن، ۱۳۸۷؛ پیران و اکبرزاده، ۱۳۹۲؛ تصویر ۷۷)، آسیای میانه (ساریانیدی، ۱۳۹۶؛ تصویر ۱۲۷) و بین‌النهرین (مک‌کان، ۱۳۷۵: ۸۷). با احتمال این اشیاء را به هزاره سوم پ.م نسبت می‌دهیم و در زمینه کاربرد آن‌ها از آنجایی که محل قرارگیری این اشیاء برای ما آشکار نیست نمی‌توان با قطعیت کاربرد دقیق آن‌ها را بیان کرد. بنابراین با فرض وجود یکسری شباهت تطبیقی میان سنجاق‌ها با اشیاء لرستان (Schmidt et al, 1989)، شاید بتوان از کاربرد آن‌ها استفاده کرد. از این روی، تاکنون نظرات متفاوتی درباره کاربرد سنجاق‌های لرستان بیان شده است. رایج‌ترین آن‌ها، کاربرد به عنوان زینت موی سر است. این نظریه آن‌چنان پذیرفته شده که در بیشتر موارد سنجاق‌های میله‌ای را به نام سنجاق سر خطاب می‌کنند، شاید این طرز فکر ناشی از این باشد که بسیاری از این سنجاق‌ها در کنار جمجمه اجساد در قبور زنان یافت شده است.

کاربرد دیگر آنها بر شمرد نشان به عنوان اشیاء آیینی است، زیرا برخی نقوش سنجاق‌ها دارای نقوش اساطیری است که منعکس‌کننده تصور انسان از خدا و طبیعت است و هنرمند در این آثار تلاش کرده به کمک تخیل، جهان ماوراء طبیعت را به نمایش گذارد، در نتیجه این نقوش سرشار از نشانه‌ها و نمادهای برگرفته از مذاهب و آیین‌ها بوده‌اند و این مسئله، کاربرد سنجاق‌های میله‌ای را به عنوان اشیاء آیینی محتمل‌تر می‌نماید (هژبری نوبری و دوآبی، ۱۳۹۰: ۱۷۳). علاوه بر این در گزارش‌های سرخ دُم لری (Schmidt et al, 1989) به سنجاق‌هایی اشاره شده که به عنوان هدایای آیینی در درز دیوار معبد قرار می‌گرفته است. از کاربردهای دیگر این سنجاق‌ها، می‌توان به نصب آنها بر روی لباس اشاره کرد. به نظر می‌رسد از سنجاق‌هایی با تزیینات کمتر، بدین منظور استفاده می‌شده است. از نمونه‌های این کاربرد سنجاق‌های به دست آمده در قبور پشت کوه لرستان است که بقایای تار و پود پارچه روی آن‌ها، تأییدی بر این مدعا است (هژبری نوبری و دوآبی، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

با توجه به مقدمه‌ای که در خصوص حوضه هلیل‌رود ارائه شد، می‌توان به فعالیت‌های مختلف پژوهشی در زمینه بررسی نقوش اشیاء این منطقه اشاره کرد. نخستین پژوهش‌های این حوضه را مجیدزاده جهت معرفی تمدن جیرفت (Majidzade, 2003; Majidzade & Pittman, 2008) و نقوش اشیاء سنگی (مجیدزاده ب، ۱۳۸۲) انجام داده است که با انتشار مجموعه‌هایی علمی و فراهم نمودن بسترهای لازم جهت پژوهش، این آثار هنری

را به سایر محققین معرفی و پس از آن پژوهش‌هایی شامل موارد زیر بر روی نقوش این اشیاء انجام گرفته است.

محتوای اسطوره‌ای انگاره‌های درخت در تمدن جیرفت (بصیری و همکاران، ۱۳۸۴)، نقوش بازمانده جیرفت (پرو، ۱۳۸۶)، تصویرشناسی نقوش (پرو، ۱۳۸۷)، هنر مهرسازی در گنارصندل، خدایان، فرمانروایان و پیوند از طریق ازدواج (پیتمن، ۱۳۸۷)، نسبت نقش‌مایه‌های نویافته جیرفت با نمونه‌هایی از اسطوره‌های ایرانی (آقا عباسی، ۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی شمایل‌نگاری ظروف کلریتی کشف شده از حوضه هلیل‌رود (Hojabri Nobari et al, 2012)، عملکرد کیف دستی کلریتی حوضه هلیل‌رود (Vidale & Micheli, 2012). نقش‌مایه عقرب در آثار جیرفت (جانبازی، ۱۳۹۱)، آیکنوگرافی نقش عقاب و مار در آثار جیرفت (ملک و مختاریان، ۱۳۹۲)، بررسی نظام گفتمانی جسمانه‌ای و تراجمانه‌ای در هنر جیرفت (شعیری، ۱۳۹۲)، آیکنوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (رفیع فر و ملک، ۱۳۹۲)، نشانه‌شناسی تصاویر و نقش‌مایه‌های ظروف جیرفت (عباسی، ۱۳۹۲)، بررسی نقوش انسانی و انسان‌نما در باز یافته‌های سنگی جیرفت به لحاظ شکل و محتوا (هاشمی، ۱۳۹۲)، مقایسه نقش‌مایه سنجاق مفرغی شهداد با نقوش یافته‌های جیرفت (Meier, 2013)، شواهد جدید روابط بین فلات ایران و دره سند بر اساس مهرهای گنار صندل جنوبی (Pittman, 2013)، کشفیات جدید سیستم نگارش هزاره سوم پ.م ایران، گنار صندل (Desset, 2014)، جستجوی موضوعات اساطیری در آثار کلریتی جیرفت (Vidale, 2015)، بررسی نقوش حیوانی آثار جیرفت (جانبازی، ۱۳۹۴)، بررسی منشأ نقش مار در جیرفت (مرادی، ۱۳۹۴)، بررسی نقوش جانوری و جانوران ترکیبی در آثار سنگی تمدن جیرفت (حسین‌آبادی، ۱۳۹۵)، مطالعه نقوش ترکیبی انسان و حیوان (Nazari et al, 2017)، تقابل نقش بز کوهی و درخت بر روی تپه شاه فیروز سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن جیرفت (صفاران و همکاران، ۱۳۹۷) و خوانش توتمی نقوش جانوری تمدن حوضه هلیل‌رود (صحت منش، ۱۳۹۸) از موضوعاتی هستند که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. با وجود مطالعات ارزنده نمادشناسی در خصوص نقش‌مایه‌های اشیاء سنگ صابونی می‌توان بیان کرد که تاکنون در زمینه نمادشناسی نقش‌مایه‌های اشیاء فلزی یا سنجاق‌های میله‌ای این حوضه، پژوهشی اختصاصی صورت نگرفته است و تنها تعداد محدودی از کل ۱۵۵ قطعه سنجاق موزه هرنندی در قالب موضوعاتی کلی تحت عنوان معرفی اشیاء مفرغی موزه هرنندی در رساله کارشناسی ارشد ناصری طهرانی عنوان شده است که در بین این اشیاء، سنجاقی با شماره ثبتی ۹۷۷ مشابه سنجاق شماره ۱ این نوشتار معرفی شده است (ناصری طهرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)، همچنین فاطمه یآوری در رساله کارشناسی ارشد خود تحت عنوان فلزکاری حوضه هلیل‌رود ۵ قطعه سنجاق ساده فاقد نقش مجموعه هرنندی را معرفی کرده است (یآوری، ۱۳۹۳) و در مقاله‌ای به بررسی متالوگرافی، SEM-EDS و ICP-OES سه شیء آلیاژی بخش جنوبی حوضه هلیل‌رود پرداخته است و این فلزات را متعلق به عصر مفرغ و دارای ترکیبات مس آرسنیک دار عنوان کرده است (یآوری و همکاران، ۱۳۹۵). اما هیچ کدام از این مطالعات به بررسی و تحلیل نقش‌مایه‌های سنجاق‌های مذکور در این نوشتار نپرداخته‌اند.

بنابراین توصیف و تحلیل نقش‌های جانوری در این سه سنجاق با توجه به نوع قرارگیری آن‌ها به صورت رو در رو، پژوهشی جدید است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی نقش‌مایه‌ها به عنوان یافته‌های فرهنگی، هنری حوضه هلیل‌رود در یک مطالعه تطبیقی با نقش‌مایه‌های محوطه‌های شاخص هزاره سوم در جنوب شرق، تمدن بین‌النهرین و آسیای میانه مورد ارزیابی قرار گرفته است و از دیدگاه بررسی تاریخ هنری، با گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی، شامل مشاهده این آثار در موزه، عکاسی، طراحی و گونه شناسی نقش‌مایه‌ها، شیوه و سبک شکل‌ها به مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای این نقوش پرداخته می‌شود و در کنار روش میدانی با استفاده از اسناد و منابع مکتوب این تحلیل‌ها تکمیل شده که در ادامه به معرفی این داده‌ها پرداخته شده است.

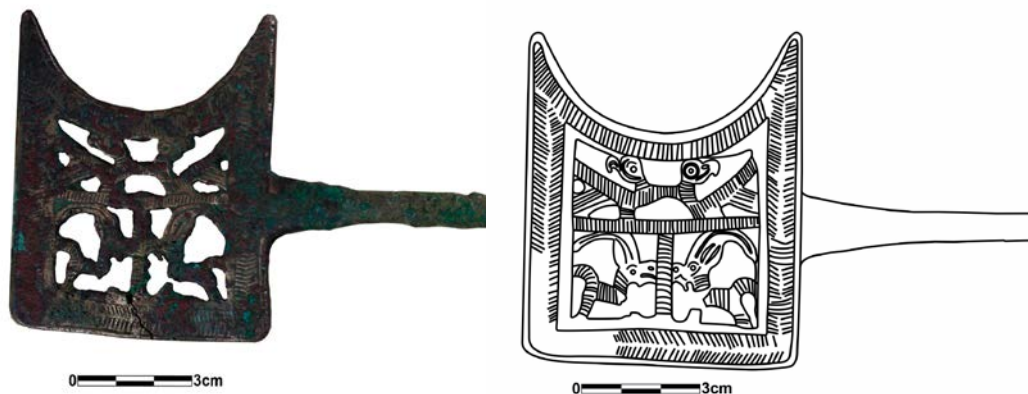
۲. سنجاق با نقش رویارویی دو بز و دو عقاب

نخستین سنجاق مورد مطالعه (شکل ۱)، نشان‌دهنده رویارویی میان دو بز و دو عقاب است. این سنجاق دارای میله مفرغی و سر سنجاقی با فرمی تخت است که روی صفحه‌ای مربع شکل با یک ضلع منحنی به طرف داخل ایجاد شده است. رنگ غالب این سنجاق مسی، فن ساخت آن ریخته‌گری و فن تزیین آن از نوع کنده‌کاری و قالبی است. نقش‌مایه آن در مرکز سر سنجاق و درون قاب مربع شکل مذکور با تزیین طرح جناغی اجرا شده است، نقش‌ها به وسیله ستون‌های باریک مزین به نقوش جناغی از یکدیگر جدا شده است، احتمالاً این طراحی ستون‌ها یادآور تنه درختی است، که نقش بالا را از پایین و همچنین دو بز را از یکدیگر جدا کرده و نقش را به سه بخش تقسیم کرده است. این تصور از آن‌جا به ذهن نزدیک می‌شود که نقش این جانوران همانند فرم طبیعی آن‌ها در زیستگاهشان است و این امر بازگوکننده ارتباط این جانوران با طبیعت و درخت است.

در پایین نقش دو بز نیمرخ قرینه از گونه گل یا بز کوهی نر دیده می‌شود که دارای شاخ‌هایی با انحنای داسی شکل به سمت شانه اجرا شده است. فرم بدن آن‌ها شامل: ریش بلند، پوزه کوتاه و گوش‌هایی با حالت هوشیار نسبت به خطرات احتمالی پیرامونی است که به خوبی گونه آن را اثبات می‌کند. این دو بز در دو طرف درخت قرار دارند و نحوه قرارگیری آن‌ها به سوی درخت و قرار دادن دهان بر روی آن القاء‌کننده تغذیه این جانوران از درخت است، نقش بزها در تصویر و طرح مورد نظر با پاهای شکسته دیده می‌شود، که احتمالاً در مرحله ساخت به صورت کامل بوده و در اثر فرسایش و گذر زمان و یا ظرفیت محدود جهت اجرای نقش دچار آسیب و شکستگی شده است.

در بخش بالای این قاب دو عقاب پشت به هم با سر به عقب برگشته، مشاهده می‌شود. این عقاب‌ها به صورت نیمرخ اجرا شده‌اند و دارای بال‌هایی مزین به خطوط ساده و نیمه گشوده و چشم‌های گرد و باز (شکل ۱) و (جدول ۱، سنجاق شماره ۱) مشابه عقاب‌های نقش‌مایه‌های ظروف سنگی جیرفت اجرا شده‌اند (مجیدزاده ب، ۱۳۸۲)، که حالت قرارگیری آن‌ها با بال‌هایی نیمه گشوده و آماده پرواز، چشمان باز و سر به عقب برگشته، نشان‌دهنده ویژگی ذاتی این پرنده در طبیعت خشمگین اطرافش و نشان‌دهنده تیزی و ذکاوت آن و توجه به محیط اطرافش است.

نقش‌مایه این سنجاق در نمونه‌ای مشابه با شماره ثبتی ۹۹۷ موزه هرنندی در رساله محبوبه ناصری طهرانی (ناصری طهرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) معرفی شده است که به دلیل شباهت بسیار این شیء و سنجاق معرفی شده در این پژوهش نگارندگان از توصیف مجدد آن سنجاق صرف نظر کردند.



شکل ۱: تصویر و طرح سنجاق مفرغی با نقش رویارویی دو بز و دو عقاب (نگارندگان: ۱۳۹۸).

Fig 1: Image and design of the two sides of a bronze pin with the confrontation of two goats and two eagles (Authors:2019).

۳. سنجاق با نقش رویارویی عقاب و مار

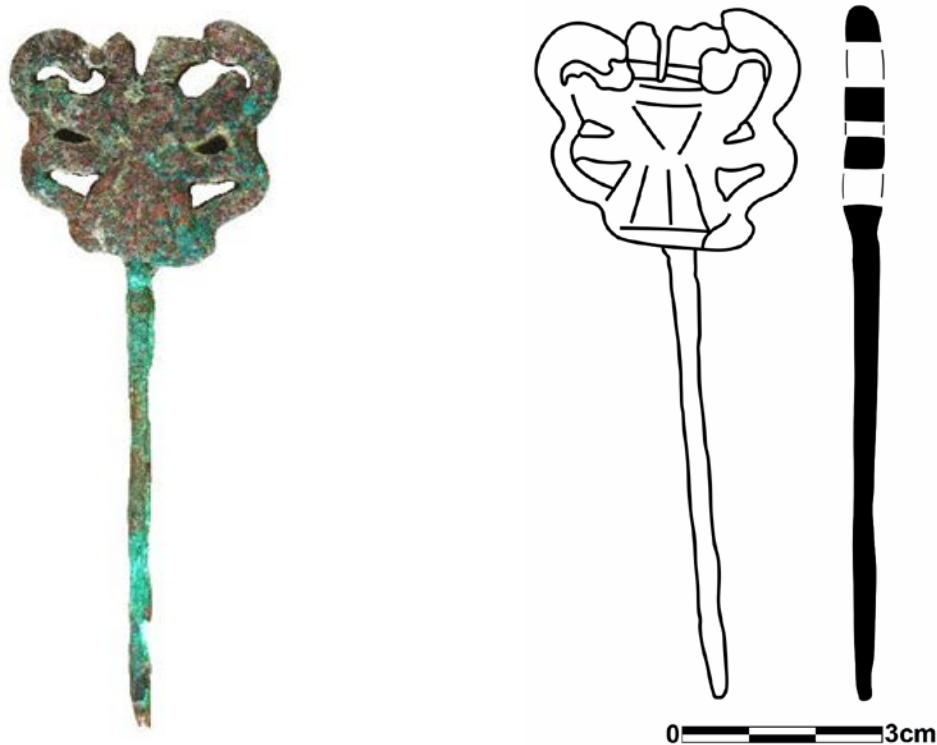
دومین شیء مورد مطالعه (شکل ۴) سنجاقی از جنس مفرغ است، که نقش مایه روی این سنجاق، گواه بر شباهت آن با نقش مایه مهرهای فلزی عصر مفرغ منطقه باستانی بلخ در آسیای میانه (ساریانیدی، ۱۳۹۶) و نقش‌های اشیاء سنگی کشف شده از جیرفت است (پیران و اکبرزاده، ۱۳۹۲) (ن.ک. به شکل ۲ و ۳). این شباهت ما را در جهت منسوب کردن این شیء به دوره مفرغ هدایت می‌کند. این سنجاق دارای سر سنجاقی با فرم بدن جانورانی چون مار و عقاب است که در حاشیه نقش دو مار با دهانی باز و آماده حمله و در قسمت درونی و مرکز نقش دو عقاب که از پشت به هم متصل شده‌اند، مشاهده می‌گردد. هریک از عقاب‌ها در حال مبارزه با یکی از مارهای حاشیه هستند. از عناصر هنری دیگر این نقش خطوطی است که به نظر، هنرمند اجراکننده قصد نشان دادن تمام جزئیات فرم بدن این پرنده را داشته است و فن ساخت آن به صورت قالبی است (شکل ۴) و (جدول ۱، سنجاق شماره ۲)، از آنجایی که این نقش جزء نقوش پر کاربرد در هنر این حوضه است، می‌توان چنین استنباط کرد که این دو عنصر در طبیعت این حوضه بسیار به چشم خورده و بومی این منطقه هستند و همراه آمدن این دو جانور جدال بر سر زندگی را القاء می‌کند. زیرا این دو جانور محیط‌زیست مشابهی را در برمی‌گیرند.



شکل ۲: مهرهای مشبک فلزی با نقش دو عقاب پشت به هم در رویارویی با دو مار (ساریانیدی، ۱۳۹۶: تصویر ۱۲۷).
Fig 2: Metal lattice seals with the role of two eagles behind each other in confrontation with two snakes (Sarianidi, 2017: Fig 127).



شکل ۳: رویارویی مار و عقاب در گلدان سنگی مکشوفه از حوضه هلیل‌رود (پیران و اکبرزاده، ۱۳۹۲: تصویر ۹۳).
Fig 3: Encounter of snake and eagle in a stone vase discovered from Halil roud basin (Piran and Akbarzadeh, 2013: Fig 77).



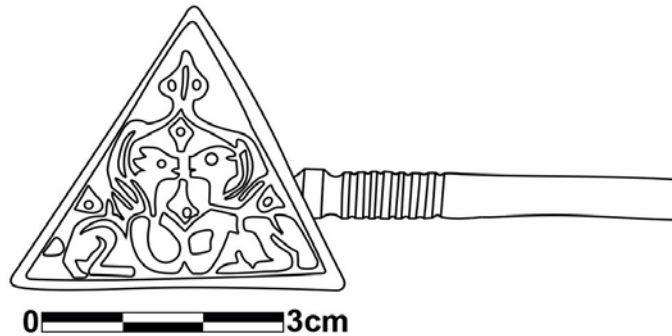
شکل ۴: سنجاق مفرغی با نقش رویارویی مار و عقاب (نگارندگان: ۱۳۹۸).

Fig 4: Bronze Pin with the confrontation of a snake and an eagle (Authors:2019).

۴. سنجاق با نقش رویارویی دو شیر

این سنجاق از جنس مفرغ و دارای سر سنجاق مثلی شکل است، که حاشیه باریکی دورتادور فضای مثلی آن اجرا شده است و در مرکز آن نقشی از دو شیر جوان نشسته و متقارن مشاهده می‌شود، در حالی که دست‌ها رو به جلو و به طرف یکدیگر دیده می‌شود و بر بالای شانیه‌های آن‌ها نقشی همچون بال یا یال؟ به صورت انحنادار به سمت بالا ایجاد شده است که دو بال یا یال در قسمت فوقانی نقش به هم وصل شده است، جنسیت آن‌ها مشخص نیست، اما از آنجایی که یکی از آن‌ها هیكلی ظریف‌تر نسبت به دیگری دارد، شاید یکی از آن‌ها ماده است و هدف از آوردن دو جنس مخالف در یک قاب نیز، نشان‌دهنده قدرت و بقای نسل باشد. لازم به ذکر است که نقش شیر یکی از نقوش پرکاربرد اشیاء حوضه هلیل‌رود و موردعلاقه هنرمندان جیرفت در هزاره سوم پ.م بوده است.

در تمام این صحنه تقارن نقش‌مایه‌ها کاملاً مشهود است و این امر بیان‌گر خلاقیت و توانایی بالای هنرمند آن دوره است. این سنجاق به روش قالبی و حکاکی ساخته شده و در نقطه اتصال سنجاق به سر آن نقش هشت حلقه دور میله ایجاد شده است (شکل ۵) و (جدول ۱، سنجاق شماره ۳).



شکل ۵: سنجاق مفرغی با نقش رویارویی دو شیر (نگارندگان: ۱۳۹۸).

Fig 5: Bronze pin with the confrontation of two lions (Authors:2019).

جدول ۱: ویژگی‌های مستند سنجاق‌ها

Table 1: determined features of pins

شماره	نوع شیء	اندازه به سانتیمتر	شماره ثبت موزه‌ای	جنس	دوره پیشنهادی	محل کشف	شیوه دستیابی	محل نگهداری
۱	سنجاق میله‌ای	۳۷/۲۰×۸/۷۰	۹۵۵	مفرغ	هزاره سوم پ.م؟	حوضه هلیل‌رود	توقیفی	موزه هرندی
۲	سنجاق میله‌ای	طول ۱۰ قطر ۰/۵۰	۱۰۴۵	مفرغ	هزاره سوم پ.م؟	حوضه هلیل‌رود	توقیفی	موزه هرندی
۳	سنجاق میله‌ای	ارتفاع ۱۸/۸۰	۱۰۳۲	مفرغ	هزاره سوم پ.م؟	حوضه هلیل‌رود	توقیفی	آلمان

۵. بحث

در نگاهی به بوم‌شناسی فرهنگی این آثار و توجه به پیوندهای انسان و طبیعت در فرهنگ‌های این‌چنینی، متوجه وجود نمادهای ویژه برای هر یک از عناصر طبیعی (در اینجا حیوانات و گیاهان) می‌شویم. نوع این رابطه همواره متناسب با شیوه زندگی و بینش هر قوم بوده و انسان‌ها در هر شرایطی، نمادهایی فراخور شیوه زیستی خود، برای انتقال پیام برگزیده‌اند. در واقع انسان برای دستیابی به خلق اثر، همواره به محیط اطراف، باورها و نگرش‌های آیینی خود توجه داشته و از این روی، به تعبیری شاید بتوان گفت هنر ایران، نوعی هنر

زیست‌بوم محور بوده است. توجه به این نقوش بعدها در قالب حیوانات خاص اهلی و غیر اهلی در اقلیم‌های متفاوت تجلی پیدا کرده است (Derek et al, 2010: 40). در واقع تأثیر محیط و فرهنگ را نباید دو پدیده مجزا یا ارتباطی سطحی در نظر گرفت، بلکه باید آن‌ها را چون مجموعه‌ای نظام‌مند در نظر گرفت که مدام در حال برهمکنش‌اند و تغییر در یکی تغییر در دیگری را باعث می‌شود (عبدی، ۱۳۸۰: ۱۴).

نقش رویارویی جانوران در میان یافته‌های فرهنگی حوضه هلیل‌رود در قالب نقوش متقارن و دوتایی به فرم‌های متنوع قابل مشاهده است. مجیدزاده نیز در معرفی اشیاء سنگی بازیافتی این حوضه فرهنگی نمونه‌هایی از صحنه‌های رویارویی را عنوان کرده که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. یکی از این صحنه‌ها، رویارویی مارها است که با مهارت و زیبایی خاصی اجرا شده، به گونه‌ای که گردن و حتی در نمونه‌هایی تمامی بدن آن‌ها همانند ریسمانی درهم‌پیچیده است (شکل ۶). این نقش در هنر سومری و دوره اوروک جدید نیز متداول بوده است (مجیدزاده ب، ۱۳۸۲: ۵). نقش مارهای درهم‌تنیده از یک دیدگاه نشان از جفت‌گیری و از دیدگاه دیگر نشان از جدال میان آن‌هاست. در مورد مار باورهای متفاوتی از منظر اسطوره پردازی، باورهای اجتماعی و نگاه به طبیعت وجود دارد گروهی آن را با مسئله باروری، حاصلخیزی و بی‌مرگی مرتبط می‌دانند و گروهی آن را به اساطیر بین‌النهرینی و حماسه گیلگمش ارتباط می‌دهند (ملک و مختاریان، ۱۳۹۲: ۱۷۴)، حماسه‌ای که در آن به از دست رفتن جاودانگی انسان و در مقابل جاودانگی مار اشاره شده است. در این حماسه گیلگمش در جستجوی گیاه جاودانگی است، که گیاه مکشوفه توسط مار دزدیده و بلعیده می‌شود و مار با خوردن این گیاه جوانی خود را ابدی می‌کند (براندن، ۱۳۹۱: ۵۴)، این مفهوم اساطیری شاید به دلیل قدرت پوست‌اندازی هر ساله مار مورد توجه بوده است. کارل گوستاو یونگ نیز از جمله نمادهای تعالی روح را مار می‌داند و آن را نماد مدیسین (Medisin) خدای شفابخش رومی‌ها معرفی کرده است، وی در بیانی دیگر مارهای درهم‌تنیده را مهم‌ترین و رایج‌ترین تعالی زمینی عنوان کرده است، که هندوها آن‌ها را ناگا (Naga) نامیده‌اند (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۳۱، ۲۳۲). میرچا الیاده مار را در مفاهیمی چون نگهبان راه‌هایی که به بی‌مرگی می‌رسند، فرشتگان نگاه‌دار چشمه‌های آب و زندگی، باروری و گنجینه‌ها معرفی کرده است (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۰۷).

با توجه به گستردگی و فراوانی نقش مار در یافته‌های فرهنگی این حوضه باورها و عقاید بسیاری از گذشته تا به امروز در مورد مار نزد مردم جنوب شرق ایران از جمله جیرفت وجود داشته است که نشانه اهمیت آن در بین ساکنان این منطقه بوده است، این اهمیت از این دیدگاه در نظر گرفته می‌شود که نام تعدادی از روستاهای جیرفت با مار مرتبط است، که عبارت‌اند از: مار سیاه، مارگون، مارو و... در بسیاری از مناطق جنوب شرق ایران مردم به مارهایی که در خانه آن‌ها زندگی می‌کنند، آزاری نمی‌رسانند و آن‌ها را برکت‌خانه می‌دانند. از طرفی مردم این جغرافیای فرهنگی قصه‌هایی دارند که همه تأکید بر اهمیت مار دارد و نشانه برکت این نماد است. آن‌ها به مار احترام می‌گذارند و مار خانگی را همسایه خویش می‌دانند. علاوه بر این مار سفید در این منطقه، نشانه گنج است. همچنین معتقدند مار به زن باردار احترام می‌گذارد و در مقابله با سری افراشته می‌ایستد و این خود گویای ارتباط مار، زن و بارداری در باور امروز آن‌هاست (ملک و

مختاریان، ۱۳۹۲: ۱۷۷، ۱۷۶). تمام مطالب اشاره‌شده حکایت از رابطه انسان و مار و تبادل مهر و محبت میان آن‌ها است و اهمیت نقش مار در شواهد باستانی کشف شده حوزه جنوب شرق قابل مشاهده است. این شواهد در سنجاق میله‌ای شه‌داد (حاکمی، ۱۳۸۵: ۷۵۱)، مهرهای استوانه‌ای تپه یحیی (Lamberg Karlovsky, 1970) نیز قابل بررسی است.

از دیگر صحنه‌های رویارویی حیوانات نبرد یک عقاب با دو مار است که در شکل ۳ نشان داده شده و نقش آن قابل مقایسه با نقش سنجاق شماره ۲ است. تصویر جدال عقاب و مار از دیدگاه دوبوکور تصویری عالم‌گیر است و نماد پیکار قدرت‌های آسمانی با قوای دوزخی و تضاد میان روز و شب، آسمان و زمین و خیر و شر را نشان می‌دهد (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۵۸) و شاید دیدن این نقش‌مایه انسان را بی‌اختیار به یاد اسطوره اِتن (Etana) می‌اندازد. این داستان اسطوره‌ای درباره پادشاه شبانی از سلسله افسانه‌ای کیش (Kish) است که به دلیل نداشتن فرزند ظاهراً چاره‌ای جز صعود به آسمان و دستیابی به گیاه زایایی ندارد و مسئله صعود آن به آسمان به کمک عقابی بر طرف می‌شود، که این عقاب به دوست خود مار خیانت کرده و فرزندان او را بلعیده و مار در صدد انتقام در شکم گاو مرده‌ای خزیده و منتظر در کمین اوست، هنگامی که عقاب برای خوردن جسد گاو فرود می‌آید، مار او را به حد مرگ مصدوم می‌کند و عقاب در انتظار مرگ توسط این نجات می‌یابد و عقاب در ازای نجات خود اِتن را به پرواز بر بال‌های خود به آسمان دعوت می‌کند. این تنها اسطوره بین‌النهرینی است که برای آن تصاویری در مهر استوانه‌ای دوره اکدی (۲۲۴۹-۲۳۹۰ پ.م) (شکل ۶) به دست آمده است (مک کان، ۱۳۷۵: ۸۷).



شکل ۶: مهر استوانه‌ای و طرح آن متعلق به دوره اکد با نقش اِتن سوار بر پشت عقاب (مک کان، ۱۳۷۵: ۸۷؛ مورتگات، ۱۳۷۷).

Fig 6: Cylindrical seal and its design belong to the Akkadian period with the role of Ethana riding on the back of an eagle (Mckann, 1996: 87; Mortgat, 1998).

از دیگر نقش‌مایه‌های رویارویی در سنگ‌های باز یافتی که قابل مقایسه با نقش سنجاق‌های مورد بحث است و مجیدزاده آن‌ها را معرفی کرده است، نقش‌مایه جانوران شاخ‌دار گیاه‌خوار یا همان بزهای کوهی است، که رو به یکدیگر در دو سوی درخت به حالت قرینه بر روی پاهای جلو ایستاده‌اند و به صورت نمادین در حال تغذیه از درخت می‌باشند. نمونه مشابه دو بز رو در رو، در دو سوی یک درخت از یافته‌های فرهنگی دوره پروتو-ایلامی از شوش III و یحیی IVC نیز به دست آمده است (مجیدزاده ب، ۱۳۸۲: ۵).

ژان پرو معتقد است که صحنه‌های رویارویی و تکرار نقوش بر روی یافته‌های فرهنگی ارزش نمادین ویژه‌ای دارد، آن‌ها ممکن است برای اهداف تزئینی و یا در نظر گرفتن فضای موجود ترکیب‌های هماهنگ دوتایی یا سه تایی تکرار شود، همچنین از آرایش متقارن جانورانی از گونه همسان، به صورت رو در رو یا گاهی جداشده

با عنصری عمودی (گیاه یا حیوان) به صحنه‌های آزادتر و صحنه‌های پر تحرک‌تر مبارزه اشاره می‌کنند (پرو، ۱۳۸۷: ۲۹۲). شوالیه و گرابر نیز تکرار متقارن نقوش را بازگوکننده مفهوم خاصی می‌دانند و این تکرار از دیدگاه آن‌ها بیان‌کننده تضاد، درگیری، انعکاس یا تعادل است و ارزش نمادین نقوش را تشدید می‌کند (شوالیه و گرابر، ۱۳۸۲: ۲۵۷). در سنجاق‌های حوضه هلیل‌رود این نقش به شکل بزهای متقارن در دو طرف درخت قابل مشاهده است و با توجه به شاخ‌ها و فرم بدن آن‌ها، تمامی آن‌ها نر می‌باشند و بز ماده کمتر دیده می‌شود و شاید این امر نشان‌دهنده این موضوع است که هنرمند خالق اثر سعی داشته که نرینگی این حیوان را نشان دهد که عامل و باعث باروری است و همین‌طور قدرت این حیوان که گاه به عنوان سنبل محافظ و نگه‌دارنده بیان می‌شود و در واقع به همراه آوردن بز و درخت که هر دو با زندگی انسان درآمیخته‌اند و جزئی از مفاهیم نمادین شده‌اند و نشان از اهمیت و جایگاه این دو نماد هستند که می‌توان هر دو را منبع حیات و خیروبرکت برای زندگی بشر دانست و در حقیقت این حیوان از قدیمی‌ترین نمادهای شناخته‌شده در تاریخ بشر است، که به شکل‌های متنوع در یافته‌های فرهنگی در قالب مجسمه در محوطه‌های گنج دره، سراب و آسیاب (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۲)، نقاشی روی سفال‌ها در محوطه‌های سیلک (Ghirshman, 1939: 238) و...، حکاکی بر روی اشیاء سنگ صابونی (مجیدزاده ب، ۱۳۸۲) و اشیاء فلزی در جیرفت از دوران پیش از تاریخ تا دوره‌های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته و با توجه به مطالب بالا شایان توجه است که انواع صحنه‌های خلق‌شده، در روی آثار منسوب به عصر مفرغ احتمالاً نشان از تفکر و نگاه زیبایی‌شناسانه هنرمند آن دوره در خلق آثارش باشد. این ویژگی هنری در گونه‌های مختلف سبک کار و خلق نقش‌مایه‌ها، در عین تشابهات هنری، باعث تمایز در جنبه‌های فرهنگی، سبک مستقل و شمایل‌شناسی بومی با سایر فرهنگ‌های هم‌افق خود شده است (حصاری، ۱۳۹۶: ۲۵).

بر اساس مطالعات زیست‌بوم‌شناختی (Mashkour et al, 2013) می‌توان ادعان کرد که نمونه‌های جانوران موجود در نقش‌مایه‌های یافته‌های فرهنگی حوضه هلیل‌رود در هزاره سوم پ.م چه در سنجاق‌های مورد نظر و چه در ظروف سنگی باز یافتی بیشتر به صورت طبیعی و مشابه نمونه‌های بومی اجرا شده‌اند که بر اساس بازبایی این جانوران از گذشته گروهی از آن‌ها به حیات خود ادامه داده و گروهی نیز منقرض شده‌اند.

سنجاق‌های معرفی شده در این پژوهش از طریق کاوش‌های علمی به دست نیامده است و تاکنون هیچ مطالعه آزمایشگاهی جهت تاریخ‌گذاری آن‌ها شکل نگرفته است و هر چند هدف از نگارش این مقاله نیز تاریخ‌گذاری این اشیاء نیست، اما با توجه به مقایسه‌های تطبیقی که در متن اشاره شد و شباهت‌هایی که بین نقش‌مایه سنجاق‌ها و نقوش اشیاء سنگ صابونی محوطه‌های گنار صندل جنوبی و سایر محوطه‌های همجوار در عصر مفرغ وجود دارد؛ می‌توان احتمال داد که این سنجاق‌ها به عصر مفرغ و به سبک‌های هنری شناخته‌شده حوضه هلیل‌رود تعلق دارد. در توصیف نقش‌مایه‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که، این مجموعه در سبکی طبیعت‌گرایانه به موضوعاتی همسو با محیط طبیعی این حوضه پرداخته و با توجه به نوع اقلیم متنوع این منطقه که بخشی از آن گرم و مرطوب و بخشی کوهستانی و سرسبز است می‌توان وجود جانوران اشاره‌شده را متعلق به این منطقه دانست و زمانی می‌توانیم بگوییم این نقوش متعلق به این منطقه نیست که این جانوران در این محل دیده نشود. بنابراین نقوش به کار رفته در سنجاق‌های مورد نظر که از نوع جانوران وحشی و اهلی مانند عقاب، مار، بز و شیر است و از پر تکرارترین نقش‌های حوضه هلیل‌رود است نیز به لحاظ فرم کاملاً با گونه‌های طبیعت منطقه انطباق دارد.

در تمامی این نقوش که به شکل نیمرخ و شامل: صحنه‌های دو عقاب پشت به هم در حال جدال با دو مار، دو بز در روبروی یکدیگر در حال تغذیه از درخت، دو عقاب پشت به هم و دو شیر در مقابل هم هستند، تناسب و هماهنگی ویژه‌ای دیده می‌شود و نقوش به حالت قرینه اجرا شده‌اند و به گونه‌ای هنرمند سازنده این اشیاء اهمیت این نقوش را به صورت نمادین اجرا کرده است و با این عمل نیاز انسان و ارتباط آن را با محیط طبیعی خود بازگو می‌کند و تا حدودی تصویری از موضوعات موردعلاقه مردمی این منطقه را القا می‌کند؛ مسائلی مانند دغدغه‌های ذهنی، طرز تفکر، اعتقادات، عادات و رسوم و حس زیبایی‌شناختی آن‌ها. به عنوان مثال نمونه‌ای از تفکر دو گانه انگاری را در سنجاق شماره ۱ در درون یک قاب به صورت کاربرد دو جانور متفاوت از نظر خوی و ویژگی رفتاری در قالب دو بز به عنوان حیوانی اهلی و دو عقاب به عنوان جانوری وحشی در حالت رویارویی مشاهده می‌کنیم. این نقش‌ها بر پایه بینش برگرفته از جغرافیای فرهنگی به اجرا درآمده است که مفهوم آن‌ها بر ما پنهان است. بنابراین با توجه به مطالعه آثار کشف شده از مناطق باستانی می‌توان به این نتیجه رسید که هر چه بر میزان پیچیدگی این جوامع افزوده شود، بازتاب آن نیز در به وجود آمدن آثار هنری و به کار بردن نقوش متنوع‌تر روی اشیاء بیشتر مشاهده می‌شود.

سپاسگزاری

از لطف و همکاری اداره کل میراث فرهنگی کرمان به‌ویژه باغ موزه هرنندی و کارشناسان این موزه خانم‌ها ایزدی، توکلی و شیخ اکبری قدردانی می‌شود.

منابع

- استنکلی، پیوتر، (۱۳۹۲)، «مرهشی و فراسوی آن: دورنمای تاریخی تمدن جیرفت»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل‌رود: جیرفت، فرهنگستان هنر، چاپ اول، ۳۴-۹.
- اسکالونه، انریکو، (۱۳۹۴)، *باستان‌شناسی جوامع ایران باستان در هزاره سوم پیش از میلاد*، سید منصور سید سجادی، چاپ اول، تهران، سمت.
- آقا عباسی، زهرا، (۱۳۸۸)، «نسبت نقش‌مایه‌های نویافته جیرفت با نمونه‌هایی از اسطوره‌های ایرانی»، *مطالعات ایرانی*، سال هشتم، شماره شانزدهم، ۳۳-۲۱.

- الیاده، میرچا، (۱۳۷۲)، رساله در تاریخ ادیان، جلال ستاری فر، جلد ۱، تهران، سروش.
- براندن، اس. جی. اف، (۱۳۹۱)، پژوهشی در ایده‌ها، انسان‌ها و رویدادها در ادیان عهد باستان، سودابه فضایی، جلد ۱، تهران، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بصیری، محمدصادق و همکاران، (۱۳۸۴)، «نگاهی به محتوای اسطوره‌های انگاره‌های درخت در تمدن جیرفت»، مطالعات ایرانی، شماره ۸، ۳۱-۵۲.
- پرو، ژان، (۱۳۸۶)، «نگاهی به نقوش بازمانده از جیرفت»، زهرا نوایی، آیین خيال، ۷۷-۷۰.
- پرو، ژان، (۱۳۸۷)، «تصویر شناسی جیرفت»، مجموعه مقاله‌های نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل-جیرفت، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کرمان، چاپ اول، ۲۹۳-۲۸۸.
- پیتمن، هالی، (۱۳۸۷)، «هنر مہر سازی در کنار صندل: خدایان، فرمانروایان و پیوند از طریق ازدواج»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل-جیرفت، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کرمان، ۷۸-۵۴.
- پیتمن، هالی، (۱۳۹۲)، «هنر عصر مفرغ در ایران: فصل جدیدی از کنار صندل، باستان‌شناسی حوضه هلیل رود»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل رود: جیرفت، فرهنگستان هنر، چاپ اول، ۶۴-۳۵.
- پیران، صدیقه، اکبرزاده، داریوش، (۱۳۹۲)، آثار گنجینه جیرفت: اشیاء سنگ صابونی و سنگ مرمر، با گزارش یوسف مجیدزاده، جلد ۱، تهران، پایزنه.
- جانبازی، فاطمه، (۱۳۹۱)، «نقش‌مایه عقرب در آثار تمدن‌های پیش از تاریخ ایران»، جلوه هنر، شماره ۷، ۲۹-۱۵.
- جانبازی، فاطمه، (۱۳۹۴)، «بررسی نقوش حیوانی در آثار تمدن جیرفت»، جلوه هنر، شماره ۱۳، ۶۲-۴۹.
- حاکمی، علی، (۱۳۸۵)، گزارش هشت فصل بررسی و کاوش در شهداد (دشت لوت) سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۵۴، به کوشش محمود موسوی، چاپ اول تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری پژوهشکده باستان‌شناسی.
- حسین‌آبادی، زهرا، (۱۳۹۵)، «بررسی نقوش جانوری و جانوران ترکیبی در آثار سنگی تمدن جیرفت»، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، دوره ۲۱، شماره ۱، ۲۱-۹.
- حصاری، مرتضی، (۱۳۹۶)، «بررسی تعدادی از اثر مهرهای حیوانی دوره آغاز ایلامی محوطه‌های سفالین پیشوا»، مطالعات باستان‌شناسی، سال ۹، شماره ۲، ۲۸-۱۳.
- دوبوکور، مونیک، (۱۳۷۶)، رمزهای زنده جان، جلال ستاری، تهران، وزارت امور خارجه.
- رایت، ری‌تا، (۱۳۹۲)، «جیرفت در متن: فلات ایران، بلوچستان و سند»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل رود: جیرفت، فرهنگستان هنر، چاپ اول، ۸۰-۶۴.
- رفیع فر، جلال‌الدین، ملک، مهران، (۱۳۹۲)، «آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (هزاره سوم قبل از میلاد)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۴، ۳۹-۷.
- ساریانیدی، ویکتور، (۱۳۹۶)، اسطوره‌های بلخی و مروی باستان بر روی مهرها و تعویذهایشان، سید رسول سیدین بروجنی و ثریا الیکای دهنو، جلد اول، چاپ ۱، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- شعیری، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، «بررسی نظام گفتمانی جسمانه‌ای و تراجمانه‌ای در هنر جیرفت»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل رود: جیرفت، فرهنگستان هنر، چاپ اول، ۱۰۶-۹۹.
- شوالیه، ژان، گرابر، آلن، (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، سودابه فضایی، تهران، جیحون.
- صحت‌منش، رضا، (۱۳۹۸)، «خوانش توتمی نقوش جانوری تمدن حوضه هلیل رود جیرفت (هزاره سوم پیش از میلاد)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۰، دوره نهم، ۷۴-۵۵.
- صفاران، الیاس و همکاران، (۱۳۹۷)، «تقابل نقش بز کوهی و درخت بر روی تپه شاه فیروز سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن جیرفت»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره چهار، ۲۴-۱۳.

عباسی، علی، (۱۳۹۲)، «شانه‌شناسی تصاویر ظروف هنری جیرفت و طبقه‌بندی آن‌ها»، باستان‌شناسی حوضه هلیل‌رود، جنوب شرق ایران: جیرفت، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل‌رود: جیرفت، فرهنگستان هنر، چاپ اول ۱۰۷-۱۲۸.

عبدی، کامیار، (۱۳۸۰)، «زیست‌بوم شناسی انسانی و اهمیت آن در پژوهش‌های باستان‌شناختی»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال شانزدهم، شماره اول، ۱۴-۲۵.

علیدادی سلیمانی، نادر، (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای طبیعی و محیط‌زیست حوضه هلیل»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل: جیرفت، سازمان میراث فرهنگی. صنایع‌دستی و گردشگری کرمان، ۲۷-۳۱.

مالووان، م. ا. ل. (۱۳۶۸)، *بین‌النهرین و ایران باستان*، رضا مستوفی، تهران، چاپ اول، دانشگاه تهران. مجیدزاده، یوسف الف، (۱۳۸۲)، *حفریات باستان‌شناختی در تپه‌های کنار صندل جیرفت*، طرح مطالعات حوضه هلیل‌رود، کرمان، اداره کل میراث فرهنگی.

مجیدزاده، یوسف ب، (۱۳۸۲)، *جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق*، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۷)، «پروژه باستان‌شناختی حوضه هلیل‌رود: کشفی افسانه‌ای»، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوضه هلیل: جیرفت، سازمان میراث فرهنگی. صنایع‌دستی و گردشگری کرمان، ۴۱-۳۱.

مرادی، حسین، (۱۳۹۴)، *منشأ نقش مار در مواد فرهنگی هزاره سوم پیش از میلاد جنوب شرق ایران: نشانه‌ای از ارتباط با ایلام و میان‌رودان*، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۷، شماره ۲، ۱۴۸-۱۳۱.

مک کان، هنریتا، (۱۳۷۵)، *اسطوره‌های بین‌النهرینی*، عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز. ملک‌شهمیرزادی، صادق، (۱۳۸۲)، *ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی.

ملک، مهران، مختاریان، بهار، (۱۳۹۲)، «آیکونوگرافی نماد عقاب و مار در آثار جیرفت (هزاره سوم قبل از میلاد)»، دوره ۱۰، شماره ۱۷، *پژوهشنامه انسان‌شناسی*، ۱۹۵-۱۶۳.

مورنگات، آنتوان، (۱۳۷۷)، *هنر بین‌النهرین باستان*، زهرا باستی و محمدرحیم صراف، چاپ اول، تهران، سمت. ناصری طهرانی، محبوبه، (۱۳۹۰)، «گونه شناسی و طبقه‌بندی اشیاء مفرغی حوزه جنوب شرق ایران در عصر مفرغ»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرتضی حصار، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه باستان‌شناسی، (منتشر نشده).

نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۲)، *حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان*، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی. هاشمی، سمیه، (۱۳۹۲)، «بررسی نقوش انسانی و انسان‌نما در باز یافته‌های سنگی جیرفت به لحاظ شکل و محتوا» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رقیه بهزادی و امیرعباس مجدی راد، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی، (منتشر نشده).

هژبری نوبری، علیرضا، سبزی دوآبی، موسی، (۱۳۹۰)، «سنجاق‌های میله‌ای لرستان»، *نشریه جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۳، شماره ۲، ۱۶۵-۱۸۸.

یاوری، فاطمه، (۱۳۹۳)، «فلزگری حوضه هلیل‌رود در عصر مفرغ: مطالعه موردی سنجاق‌ها و میله‌های مفرغی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رحمت عباس نژاد سرشتی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

یاوری، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۵)، *بررسی متالوگرافی SEM-EDS و ICP-OES سه شیء آلیاژی عصر مفرغ مکشوف از بخش جنوبی حوضه هلیل‌رود*، جیرفت، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۱۰، دوره ششم، ۶۷-۸۲.

یونگ، کارل، (۱۳۷۷)، *انسان و سمبول‌هایش*، با همکاری م. ل. فون فرانکس، جوزف ل. هندرسون یولانده یا کوبی، آفیه لا یافه، محمود سلطانیه، جلد اول، تهران، امیرکبیر.

Abbasi, A.2013."Semiotics of images of artistic vessels of Jiroft and their classification" *Archeology of Halil roud Basin». Southeastern Iran: Jiroft “, Proceedings of the Second International Conference on Civilization of Halil roud Basin: Jiroft, Academy of Arts. first edition 128-107 [in Persian].*

- Abdi, K. 2001. "Human ecology and its importance in archaeological research" *Archaeology and History*. Year 16, Number 1, 25-25 [in Persian].
- Agha Abbasi, Z. 2009. "Relationship between newly discovered motifs of Jiroft and examples of Iranian myths", *Iranian Studies*. Year 8. Number 16.33-21 [in Persian].
- Alidadi Soleimani, N. 2008. "Introduction to the natural geography and environment of the Halil Basin", *Proceedings of the First International Conference on the Civilization of the Halil Basin: Jiroft. Cultural Heritage Organization. Kerman Handicrafts and Tourism*, 27-21. [in Persian]
- Branden, S. j.F. 2012. "A Study of Ideas, Humans and Events in Ancient Religions". Soodabeh Fazaili. Volume 1. Tehran. University of Religions and Religions [in Persian]
- Basiri, M. et al. 2005. "A look at the mythical content of tree ideas in the civilization of Jiroft", *Iranian Studies*. No. 8, 52-31 [in Persian].
- Derek, B. Counts and Bettina, A. 2010. *The Master of Animals in Old World Iconography. With the generous support of the Center for Etruscan Studies*. University of Massachusetts, Amherst.
- Desset, F. 2014. "A New Writing System Discover In 3RD Millennium BCE Iran: The Konar Sandal, Geometric, Tablets". *Iranica Antiqua*. Vol XLIX. 83-109.
- Desset, F. Vidale, M. Alidadi Soleymani. N. 2017. "A Grave of the Halil roud valley (Jiroft, Iran, CA2400-2200BC): stratigraphy". *taphonomy. funerary practices. Iranica Antiqua*. 25-60.
- Dubocor, M. 1997. *The Secrets of the Living*, Jalal Sattari. Tehran. Ministry of Foreign Affairs [in Persian].
- Eliadeh, M. 1993. *Treatise on the History of Religions*, Jalal Sattarifar, Volume 1. Tehran, Soroush [in Persian].
- Ghrishman, R. 1939. "Iran in Ancient East", Reprint Edition. Oxford University Press.
- Hakemi, A. 1997. "Shahdad: Archaeological Excavations of a Bronze Age Center in Iran", Rome: Ismeo. Translated by S.M.S. Sajjadi. New Del-hi: Instituto Italiano per I Medio et Estremo Oriente.
- Hakemi, A. 2006. *Report of eight chapters on the study and excavation in Shahdad (Lut plain) in 1347-1354*, by Mahmoud Mousavi, first edition of Tehran. Research Institute of Cultural Heritage. Handicrafts and Tourism of the Archaeological Research Institute [in Persian].
- Hashemi, S. 2013. "A Study of Human and Humanoid Patterns in Jiroft Stone Sculptures in Form and Content", Master Thesis, Roghayeh Behzadi and Amir Abbas Majdi Rad. Isfahan University of Arts. Faculty of Visual and Applied Arts. (Published Not) [in Persian].
- Hojbari Nobari, A. Sabzi Doabi, M. 2011. "Lorestan Bar Pins". *Journal of Historical Sociology*. Volume 3. Number 2, 188-165 [in Persian].
- Hojabri Nobari, A. et al. 2012. "A Comparative Study of Chlorite Vessels Iconography" .Discovered from Halilroud basin . *Archives Des Sciences*. January. Vol. 65.1-11.
- Hesari, M. 2017. "Study of a number of animal seals in the beginning of the Elamite period of Pishva pottery sites". *Archaeological Studies*. Volume 9. Number 2. 13-18. [in Persian].
- Hosseinabadi, Z. 2016. "Study of animal motifs and mixed animals in the stone works of Jiroft civilization" *Fine Arts - Visual Arts*. Volume 21. Number 1. 9-21 [in Persian].
- Janbazi, F. 2012. "Scorpion motif in the works of prehistoric civilizations of Iran". *Jelveh Honar*. Number 7. 15-29 [in Persian].
- Janbazi, F. 2015. "Study of animal motifs in the works of Jiroft civilization". *Jelveh Honar*. Number 13. 62-49 [in Persian].

- Lamberg-Karlovsky, C. C. 1970. *Excavations at Tepe Yahya, Iran. 1967-1969. Progress Report* 1. American School of Prehistoric Research, Bulletin 27. Cambridge, Mass.: Peabody Museum. Harvard University.
- Lamberg-Karlovsky, C. C. 1988. *The 'Intercultural Style' Carved Vessels*". *Iranica Antiqua* XXIII.45-95.
- Majidzadeh, Y. A. 2003. *Archaeological excavations in the hills to Konar Sandal in Jiroft, Halil roud Basin Studies Project*. Kerman, General Directorate of Cultural Heritage [in Persian]
- Majidzadeh, Y. B. 2003. *Jiroft, the oldest civilization of the East*. first edition. Tehran. Ministry of Culture and Islamic Guidance [in Persian].
- Majidzadeh, Y. 2003. *Jiroft The Earliest Oriental Civilization*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing.
- Majidzadeh, Y. 2008. "Archaeological Project of Halil roud Basin: A Legendary Discovery". Proceedings of the First International Conference on Halil Basin Civilization: Jiroft. Cultural Heritage Organization. Kerman Handicrafts and Tourism. 41-31 [in Persian].
- Majidzadeh, Y. Pittman, H. 2008. *Excavation at Konar sandal in the region of Jiroft in the Halil basin: first preliminary report (2002-2008)*. Iran.vol.46, (2008) published by: British institute of Persian studies, 69-103.
- Mackan, H. 1996. *Mesopotamian Myths*. Abbas Mokhber, Second Edition, Tehran, Markaz Publishing [in Persian].
- Malek, M. Mokhtarian, B. 2013. "Iconography of the Eagle and Snake Symbol in the Works of Jiroft (Third Millennium BC)". Volume 10. Number 17. *Anthropological Research Journal*. 195-163 [in Persian].
- Malek Shahmirzadi, S. 2003. *Prehistoric Iran, Archeology of Iran from the Beginning to the Dawn of Urbanism*, Tehran. Research Deputy of the Archaeological Research Institute.
- Malowan, M, I. L, 1989, *Mesopotamia and Ancient Iran*. Reza Mostofi. Tehran. First Edition. University of Tehran. [in Persian].
- Mashkour, M. et al. 2013, Bio- archaeological Studies at Konar Sandal, Halil Rud basin, Southeastern Iran». *Journal of Enviromental Archaeology*, VoL.18.No3. 222-246.
- Meier, D. Massimo, V. 2013. "the Man with Serpents revisited on a pin from the Bronze Age Site of Shahdad (Kerman, Iran)". Department of Culthral Heritage. Archaeology. History of Art. of Music and Cinema. *University of padua*. Italy. 1-9.
- Moradi, H. 2015. "The origin of the role of snakes in the cultural materials of the third millennium BC in southeastern Iran: a sign of a relationship with Elam and Mesopotamia". *Archaeological Studies*. Volume 7. Number 2. 148-131 [in Persian]
- Mortgat, A. 1998. *Ancient Mesopotamian Art*, Zahra Basti and Mohammad Rahim Sarraf, First Edition. Tehran. Samat [in Persian]
- Naseri Tehrani, M. 2011. "Typology and Classification of Bronze Objects in Southeastern Iran in the Bronze Age". Masters. Thesis. Morteza Hesari. Islamic Azad University of Central Tehran. Faculty of Literature and Humanities. Department of Archeology. (Unpublished) [in Persian].
- Nazari, A. Afhami. R. Yazdani Panah. M. 2017. "The Myth of Human-Animal in Jiroft Artifacts" *.Journal of Engineering and Applied Sciences* 12 (Special Issue1): 5791-5798.
- Neghaban, E. 1372. *Drilling of Haft Tappeh in Khuzestan Plain*. First Edition. Tehran. Cultural Heritage Organization.
- Peru, J. 2007. "A look at the surviving motifs of Jiroft". Zahra Navai, *Mirror of Imagination*. 77-70 [in Persian].
- Peru, J. 2008. "Jiroft Iconography". Proceedings of the First International Conference on Civilization of the Halil Basin: Jiroft, *Cultural Heritage Organization. Kerman Handicrafts and Tourism*. first edition. 293-288 [in Persian].
- Piran, S. Akbarzadeh. Dariush. 2013. *The Treasures of Jirf: Soap and Marble Objects*. by Yousef Majidzadeh. Volume 1. Tehran. Pazineh [in Persian].

- Pitman, H. 2008. "The Art of Sealing in the Konar Sandal: Gods, Rulers, and Marriage". Proceedings of the First International Conference on Halil Basin Civilization: Jiroft. Cultural Heritage Organization. Kerman Handicrafts and Tourism. 78-54 [in Persian].
- Pittman, H. 2013. "Bronze Age Art in Iran: A New Chapter by the Konar Sandal. Archeology of Halilrud Basin". Proceedings of the Second International Conference on Halilrud Basin Civilization: Jiroft. Academy of Arts. First Edition. 64 -35 [in Persian].
- Pittman, H. 2013. "New Evidence for Interaction between the Iranian plateau and the Indus Valley: Seal and Sealings from Konar Sandal South". Connections and Complexity: New Approaches to the Archaeology of South Asia, edited by S. A. Abraham, P. Gullapalli. T. P. Raczek and U. Z. Rizvi. 63-89.
- Rafifar, J. Malek. Mehran. 2013. "Iconography of the Leopard and Snake Symbol in the Works of Jiroft (Third Millennium BC)". *Archaeological Research of Iran*. No 4. 7-9 [in Persian].
- Saffaran, E. et al. 2018. "The opposition of the role of mountain goat and tree on the hill of Shah Firooz Sirjan with the soapstone dishes of Jiroft civilization". *Research in Art and Humanities*. Third Year, No. 4, 13-24 [in Persian].
- Sarianidi, V. 2017. *Ancient Balkhi and Marvi myths on their seals and amulets*. Seyed Rasoul Seyed Borujeni and Soraya Elikai Dehno. Jeldavol. 1st edition. Tehran. Cultural Heritage and Tourism Research Institute [in Persian].
- Schmidt, E. F. N. M. van Loon. H. H. Curvers. 1989, *the Holmes Expedition to Ioristan*. the oriental Institute of the University of Chicago Publication. Vol. 108. by the University of Chicago.
- Sehatmanesh, R. 2019. "Totemic reading of animal motifs of the civilization of Halil roud Jiroft Basin (third millennium BC)". *Archaeological Research of Iran*, No. 20. Ninth Volume. 74-55 [in Persian].
- Shoeyri, H. 2013. "Study of the system of physical and transcendental discourse in the art of Jiroft." Proceedings of the Second International Conference on Civilization of Halil roud Basin: Jiroft. *Academy of Arts*. first edition. 106-99 [in Persian].
- Shovali, J. G. A. 2003. *Culture of Symbols*. Soodabeh Fazaili. Tehran. Jeyhun.
- Stankler Piotr, 2013. "Marashi and Beyond: The Historical Perspective of Jiroft Civilization". Proceedings of the Second International Conference on Civilization of Halil roud Basin: Jiroft. Academy of Arts. First Edition. 34-9 [in Persian].
- Scalone, E. 2015. *Archeology of Ancient Iranian Societies in the Third Millennium BC*. Seyed Mansour Seyed Sajjadi. First Edition. Tehran. Samat [in Persian].
- Ung, C. 1998. *Man and His Symbols*. in collaboration with M. L. von Franz. Joseph L. Henderson Yolande or Kobe. Afieh La Yafeh, Mahmoud Soltanieh. Volume One. Tehran. Amirkabir [in Persian].
- Vidale, M. Micheli, R. 2012. "The Function of a Chlorite Hand-Bag of the Halil Roud Civilization as Inferred from its Wear Traces". *Iranian Journal of Archaeological Studies* 2:2. 1-11.
- Vidale, M. 2015. "Searching for mythological themes on the "Jiroft" chlorite artefacts". *Iranica Antiqua* L: 15-58.
- Wright, R. P. 2013. "Jiroft in the text: Plateau of Iran, Baluchistan and Sindh", Proceedings of the Second International Conference on Civilization of Halil roud Basin: Jiroft». *Academy of Arts*. first edition, 80-64 [in Persian].

- Yavari, F.2014. "Metallurgy of Halil roud Basin in the Bronze Age: A Case Study of Bronze Pins and Bars". M.Sc. Thesis. Rahmat Abbasnejad Sershti, University of Mazandaran. Faculty of Humanities. Department of Archeology (Unpublished). [in Persian].
- Yavari, F.et al. 2016. "Metallographic study, SEM-EDS and ICP-OES of three bronze alloy objects discovered in the southern part of Halil roud basin". Jiroft. *Archaeological Research of Iran*. No.10. Volume 6. Volume 67-82. [in Persian].